



اقتصاد آزاد و ضرورت دستیابی به آن

دکتر محمد فلی یوسفی
عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد
دانشگاه علامه طباطبائی

قسمت پایانی
(در شماره گذشته به اشتباه قسمت پایانی درج شده بود که پوزش می‌طلبیم)

جهت هماهنگی موثر و اجرای کارآمد است بحث فوق بر چند چیز دلالت می‌کند. اول؛ اینکه روشی که یک بازار سازمان می‌یابد بستگی به وجود سایر بازارهایی است که از آن حمایت می‌کنند. بازار دارایی‌های حقیقی در آمریکا از بازار برای املاک، نگاههای املاک، شرکت‌های بیمه، اسناد، بازرسان، وام دهندگان رهنی و حقوقدانان دارایی‌های حقیقی استفاده می‌کند. اما این بازارها در سایر کشورهای یا حتی سایر مناطق در خود آمریکا وجود ندارند و کارکرد آنها در همه جا یکسان نیست.

دوما؛ هر یک از این بازارها مستلزم مجموعه ای از قوانین، مقررات و هنجارهاست که نقش‌ها و مسئولیت‌ها را آشکار می‌سازد. بعضی از این قوانین ممکن است از طریق سنت‌ها و فرهنگ‌ها تحمیل گردد اما در جهت حفظ اعتبار تداوم می‌یابد در حالیکه سایرین ممکن است مستلزم کسب اعتبار نامه رسمی باشد. درحالیکه سایر موارد بدان نیاز ندارد. لذا نهادها و هنجارهایی که هر یک از این بازارها لازم دارند ممکن است خود، محصول ترقیات خصوصی مورد توافق شرکت کنندگان در بازار باشد، بوسیله دولت دیکته شود.

سوما؛ نقشی که در این حوزه‌ها ایفا می‌کند خیلی خاص و معین است. این معنی را نمی‌دهد که دولت باید فعالیتها در تمام بازارها را طراحی نماید. نقش دولت در اینجا باید بگونه‌ای طراحی شود تا به مسئله خاص و معین بازار دارایی حقیقی بپردازد و مسائل حقوقی و قانونی را پوشش دهد نه اینکه به تولید CD یا بیمه بهداشتی و غیره بپردازد.

چهارم؛ هزینه مبادله‌ای را که یک فروشنده یا خریدار مواجه می‌شود (که شامل هزینه‌های

تا خانه را خریداری نماید. باید خانه یا آپارتمان خود را در رهن بانک بگذارد لذا یک سیستم حقوقی و قانونی لازم است تا این حقوق را اجرائی نماید. وام دهنده نیز ممکن است خواهان بیمه آتش‌سوزی، طوفان و غیره بشود. لذا، نیاز به یک بازار بیمه است. گذشته از این مسائل، فروش آپارتمان یا خانه زمان‌بر است، زیرا بعد از توافقات اولیه، نیاز به بازرسی و تهیه پول است. در این فرایند خیلی از اتفاقات پیش‌بینی نشده ممکن است به وقوع بپیوندد. لذا لازم است برای حل آنها تمهیدات لازم اتخاذ شود. احتمال دارد برای تسریع کار نیاز به پرداخت رشوه یا هدیه باشد یا نیاز به استخدام یک وکیل خبره است. وکیل نیز نیاز دارد که از یک نهاد دیگری مجوز بگیرد تا کار خود را انجام دهد. اگر دارایی یک آپارتمان در یک مجتمع مسکونی باشد لازم است که حقوق آن مجتمع نیز در نظر گرفته شود و غیره

پازارگراف فوق نشان می‌دهد که اولاً؛ چگونه یک مبادله که ساده به نظر می‌رسد، می‌تواند پیچیده باشد و چگونه فروش یک دارایی موجود با شبکه گسترده‌ای از بازارهای مختلف مرتبط است و ترتیبات نهادی که می‌بایستی همزمان وجود داشته باشند. در اینجا ما تنها بازار برای خانه را تشریح نکردیم بلکه بازار برای واسطه‌ها، وام‌های رهنی، بازرسان، سند وثیقه، بیمه و حقوقدانان، این کار شامل دفاتر ثبت، قوانین شهرداری، تعیین اعتبار آژانس‌های تخصصی مختلف، قوانین مربوط به حقوق اعتبار دهندگان و مجتمع‌ها و غیره، اینها تنها کمی از چیزهایی است که برای خانه‌های موجود لازم است، حال توسعه شهری و سایر مسائل را تصور کنید که چقدر پیچیده و مشکل‌است و نیاز به دولت

اجازه دهید بازار برای یک دارایی واقعی که واضح، آشکار و ساده است را تشریح نمایم. در این بازار دارایی قبلاً وجود دارد فقط باید دست به دست بگردد. خریداران نیازمند آنند که بدانند چه چیزهایی به فروش می‌رسد و چه ویژگی‌هایی دارند. فروشندگان نیاز دارند که اطلاعات را به خریداران منتقل نمایند. لذا بازار برای واسطه‌های مربوط به دارایی‌های حقیقی ایجاد می‌شود تا این اهداف بدست آیند حال، تمام ویژه گیها و خصوصیات خانه یا آپارتمان برای کسانی که آموزش یا تجربه لازم را ندارند. معلوم نیست، ممکن است ایرادات نامشهودی وجود داشته باشد که صاحب ملک از آن مطلع است اما آنرا آشکار نمی‌سازد. این موجب اطلاعات نامتقارن می‌شود که از طریق یک بازار برای بازرسان حل می‌شود. بازرسان از طریق یک نهاد مجوز می‌گیرند و بوسیله خریداران بکار گرفته می‌شوند تا از خصوصیات و ویژگیهای آپارتمان و یا از نظر فنی قرار گرفتن در مسیر طرح‌های عمرانی و غیره به خریداران مشورت و گزارش دهند و بعد باید دید که آیا فروشنده آپارتمان از حقوق کامل مربوط به فروش دارایی برخوردار است یا خیر این به معنی آن است که خریدار باید هزینه‌ای بپردازد تا بداند که آیا دیگری از حقوق قانونی در مورد دارایی برخوردار است یا خیر. در اینجا یک سیستم ثبت دارایی لازم است تا علاوه بر تعیین مالک به مسائل دیگری نظیر پرداخت دیون مالیاتی یا عوارض شهرداری و غیره را بررسی نماید. اما علاوه بر موارد فوق خریدار ممکن است تحمل هرگونه حادثه طبیعی نظیر سیل یا زلزله را نداشته باشد و لذا ممکن است خانه یا آپارتمان خود را بخواهد بیمه کند. علاوه بر همه اینها خریدار ممکن است نیاز به وام داشته باشد



مربوط به فریب، دروغ، کلک یا عیب و ایرادات پنهان در معاملات و غیره) بستگی به آن دارد که چگونه بازارهای مختلف و نهادها سازمان یابند و بر روی هم اثر بگذارند.

پنجم؛ تغییرات و تفاوت‌های زیادی در سازمان دهی این وظایف در ساختارهای مختلف وجود دارد.

واضح است که در مثال بازار مربوط به دارایی حقیقی ما به یک بازار توسعه یافته اشاره کردیم که در طول زمان انواع و اقسام بازارهای مرتبط با بازار دارایی حقیقی توسعه یافته و شکل گرفته است (دارایی حقیقی، واسطه‌ها، دلان، بیمه، مسائل مالی خدمات حقوقی، خدمات بازرسی و مشورتی و غیره) جایی که شرکت کنندگان با انگیزه منافع شخصی مشارکت می نمایند. شرکت کنندگان در بازار در مورد قوانین، هنجارها و نهادهایی که وجود دارند بصورت داوطلبانه در هر یک از این بازارها به توافق می رسند. قوانین و هنجارهایی قانونی وجود دارد. برای اینکه یک بازار خوب کارآمد نیاز به همه این موارد دارد. فعالیتهای جدید ممکن است با این واقعیت مواجه شود که این شرایط ممکن است موجود نباشد.

لذا تصور اینکه یک فعالیت جدید با چه مشکلاتی روبرو است ساده است. بازارهای مرتبط ممکن است وجود نداشته باشد و این یک مشکل جدی هماهنگی ایجاد می کند. هنجارهای مرتبط با مبادلات ممکن است توسعه یابد و بر روی آن توافق صورت گیرد. قوانین حقوقی و استانداردها ممکن است وجود نداشته باشد. نیازهای معین زیرساختی ممکن است

برطرف نشده باشد. حل این مسائل هزینه‌ها و ویژگی‌های نامطمئن دارد.

به این دلیل، فعالیتهای جدید که توسعه می یابند نیاز به بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندیهای موجود که شامل بازارها، دارایی‌های انسانی و فیزیکی، هنجارها و نهادهایی است که توسعه یافته و برای فعالیتهای قبلا موجود توسعه یافته و ذخیره شده اند دارد. این توانمندیها تا

حدی مفیدند که مشابه فعالیتهای مورد نظر باشند. در بیشتر مواقع نوع نیاز یکسان نیست. تولید محصولات کشاورزی و صنعتی و خدماتی ویژگیهای خاص خود را دارند و نیاز به زیرساختهای متفاوت و نهادهای متفاوت هستند لذا در چنین شرایطی تلاش جهت دستیابی به قیمت‌های درست کافی نخواهد بود.

بطور خلاصه، توسعه مستلزم توسعه و بهبود ظرفیت‌های مولد می‌باشد. این هم پیچیده است یعنی ظرفیت‌های مختلف برای فعالیتهای مختلف لازم است و هم خاص است (این ظرفیت‌ها و توانمندیها برای هر فعالیتی متفاوت است) به همین دلیل فعالیت‌های جدید سعی در استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندیهایی دارد که قبلا بخاطر نوع دیگر فعالیتها توسعه یافته اند. این موجب وابستگی به مسیری شده در فرایند تغییرات ساختاری می‌شود. وابستگی به ظرفیت‌های موجود این معنی را می‌دهد که تغییرات ساختاری مبتنی بر بازار خیلی آهسته خواهد بود و با حد ایده‌آل فاصله زیادی خواهد داشت. یک نوع آفرینی انفرادی چنین توانمندیها را باید داده شده فرض نماید.

۹- در اینجا لازم است بین نهاده‌ها و فعالیتهایی را که می‌توان در بازار خرید و آنها را به برایشان بازار وجود ندارد تفاوت قائل شد. در مثال قبلی ما درخصوص دارایی حقیقی باید گفت وقتی که بازار برقرار گردید، بازار برای رهن، بازرسان، واسطه‌ها و مقاطع کاران و حقوقدانان بیمه‌ای آتش سوزی و اسناد وجود خواهد داشت. اگر عرضه ناکافی باشد قیمت آنها بالا می‌رود و افراد دیگری وارد آن بازار می‌شوند و

اقتصاد آزاد بوسیله افراد آزاد

اجرا می‌شود و هنگامی

بدرستی کار می‌کند که حقوق

مالکیت برقرار و آزادی‌های

فردی و اجتماعی تضمین

شده باشد به عبارت دیگر

انسان‌ها بدون نگرانی از

ریسک و نااطمینانی، تجاوز و

تعدی دیگران بتوانند با انگیزه

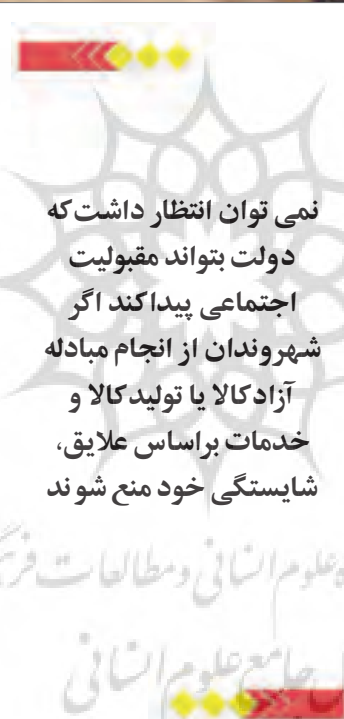
مناسب به کار و تلاش پردازند





گرفته است اما مقایسه شایستگی های آن دو شکل تصمیم گیری اقتصادی چنان وابسته به موضوع و شرایط خاص اقتصادی هستند که نمی توان یک نتیجه کلی در مورد طرفداری از دولت یا بازار ارایه نمود. برای تشریح موضوع اینکه دولت چکاری می تواند بکند و انجام می دهد به ماهیت دولت بستگی دارد. تجربه دولت خمرهای سرخ در کلمبیا، عیدی امین در اوگاندا، رژیم پول پت در کامبوج، دولت نازی و غیره نشان می دهد که دولت می تواند نقش های متفاوت ایفا کند آنچه مهم است این است که چه کسی سعی دارد از طریق مکانیزم دولت چه چیزی را بدست آورد.

۱۱- دولت و حاکمیت با هم متفاوت است. حاکمیت شامل سیستم قانونی، حقوقی و قضایی و قویه مجریه است. یک دولت دمکرات مجبور است به خواست مردم توجه نماید. همین نیز در مورد کارگر و بازار صادق است. ماصحبت از چه نوع بازاری می کنیم. بینش تئوری های کارایی و اثر بخشی مکانیزم بازار مربوط به بازار رقابتی در حالت تعادل است. درحالیکه بازارهای واقعی با بازارهای فرصتی تفاوت بسیار دارند. لذا مقایسه دولت و بازار مستلزم در نظر گرفتن ماهیت دولت و بازار است. اشکال مختلف بازار در رابطه با رقابت، آزادی ورود و انواع مداخلات دولتی براساس سیستم سیاسی، سیستم حقوقی، آزادی سیاسی، قدرت است. اما سیاستی حاکم، برخورد با مخالفین و ناراضیان و غیره وجود دارد. بنابراین ارزیابی هر یک مستقل از دیگری دشوار و نامفهوم است. در ارزیابی مربوط به شایستگی بازار و دولت باید به بهم



نمی توان انتظار داشت که دولت بتواند مقبولیت اجتماعی پیدا کند اگر شهروندان از انجام مبادله آزاد کالا یا تولید کالا و خدمات براساس علایق، شایستگی خود منع شوند

نمی کند. هیچگونه علائم قیمت گذاری و هیچگونه بروکراسی سود دهی بصورت خودکار عرضه و تقاضا را متعادل نمی سازد. اینجاست که نقش دولت اهمیت می یابد. لذا دولت و بازار مکمل یکدیگر بوده و در جهت برقراری اقتصاد آزاد نقش مهمی ایفا می نمایند تأکید بر هر دو به معنی راه رفتن بر روی دو پایست که تعادل را بهتر برقرار می سازد و مانع اختلال در آن می شود. مقایسه ویژگیهای برتر مکانیزم بازار و اقدامات دولت در ادبیات اقتصادی وسیعاً مورد بحث قرار

عرضه را زیاد می کنند. اما مشکل در جایی است که بازار برای اعتباردهی، صدور مجوز، ثبت سفارشی، هنجارها و نحوه اجرای قراردادها یا قوانین وجود ندارد. در کل هیچگونه بازاری برای عناصری وجود ندارد که شامل نقش دولت است. همچنین بازاری برای فعالیت هایی نیست که به هر دلیلی دولت عهده دار آن است. نظیر توسعه و عرضه زیرساختها. از آنجائیکه این توانمندیها مکمل نهادهای بازاری هستند خیلی خاص هستند. عرضه ناکافی آنها بهره وری کلی فعالیت را کاهش می دهد. اگر قوانین مربوط به جاده وجود نداشته باشد ماشین و کارگر خیلی موثر نخواهد بود. حال وقتیکه بازار خیلی موثر باشد در سطح تخصیص غیرمتمرکز از طریق علائم قیمت، چگونه فعالیتهای دولت و مداخلات هماهنگ می شوند. اگر دولت نتواند از اصول و ویژه گیهای خود سازماندهی برخوردار نباشد چگونه دولت می تواند به نیازهای متعدد و متفاوت فعالیتها جواب دهد؟ باید به پیچیدگی مداخله دولت توجه کرد؟ فعالیتهای زیادی وجود دارد که هر یک نیاز به مداخلات از نوع متفاوتی دارند و هیچگونه علائم قیمتی وجود ندارد که دولت را بر حسب اینکه چه کاری را درست انجام می دهد و چه کاری را غلط و اینکه چه کاری باید انجام شود هدایت نماید.

۱۰- یک سؤال مهم در اینجا این است که چگونه یک نهاد توسعه می یابد؟ چه عامل باعث می شود که رقابتی بازاری با هم همکاری کنند تا قوانین، هنجارها و نهادهایی را خلق کنند؟ چگونه می توانند با موضوع سواری مجانی مقابله نمایند؟ چه عاملی باعث مداخله دولت و ادامه هنجارهای قانونی یا آژانس های تخصصی نظیر قانون وام دهی رهنی، ثبت دارایی و آژانس های اعتباردهی می شوند؟

در مثال دارایی حقیقی، به قوانین و اعتبار رهنی برای واسطه ها، بیمه گران، بازرسان، اعتبار دهندگان رهنی، مقررات استفاده از زمین های شهری، حقوق مالکیت در یک مجتمع مسکونی و غیره بهم وابسته و خاص هستند. این قوانین در حقیقت پیچیده، خاص هستند و طراحی آنها از قبل دشوار است. پیچیدگی نه تنها ناشی از این واقعیت است که فهرست نهادهای غیر بازاری و توانمندی ها طولانی است بلکه از آنجائیکه که نسبتاً در هر فعالیتی خاص هستند و عمیقاً برهم اثر می گذارند. برای اینکه موضوع خیلی مشکلتر شود مکانیزم بازار در ارایه این نهادها کار





تردید در مورد حوزه قلمرو سیاسی در خیلی از جوامع برای باز توزیع منابع اولیه به این ترتیب وجود دارد که البته متناسب با شرایط و نیاز تابع رفاه باید باشد. اما چیزی را که می توان برای کارکرد بازار انتظار داشت بستگی به نقش و فعالیت دولت دارد. بهم وابستگی بازار و دولت در مسیر دیگری نیز کار می کند. نمی توان انتظار داشت که دولت بتواند مقبولیت اجتماعی پیدا کند اگر شهروندان از انجام مبادله آزاد کالا یا تولید کالا و خدمات براساس علایق، شایستگی خود منع شوند. اما آنچه امروزه در کشور ما در رابطه با اقتصاد آزاد مطرح می شود به اشکال مختلف با نارسائیهای زیر روبرو است:

۱- تمرکز بیش از حد بر نقش منفی دولت ۲- انکاء بیش از حد بر اطلاعات محدود اقتصادی ۳- نادیده گرفتن نقش همکاری ها در اصلاحات اقتصادی اجتماعی.

در نتیجه اقتصاد آزاد بوسیله افراد آزاد اجرا می شود و هنگامی بدرستی کار می کند که حقوق مالکیت برقرار و آزادی های فردی و اجتماعی تضمین شده باشد به عبارت دیگر انسان ها بدون نگرانی از ریسک و نااطمینانی، تجاوز و تعدی دیگران بتوانند با انگیزه مناسب به کار و تلاش بپردازند. اما این کار زمانی امکان پذیر است که دولت با اقدامات درست و اصولی زمینه های مناسب و قوانین بازی را فراهم کرده و نهادهای مناسب قوی و کارآمد ایجاد کرده باشد تا جلوی هرگونه تصدی و تجاوز به حقوق دیگران گرفته شود و خود دولت توسط نهادهای دمکراتیک کنترل و نظارت شود و همواره حساب پس ده و پاسخگو باشد.

فعالیت های زیادی وجود دارد که هر یک نیاز به مداخلات از نوع متفاوتی دارند و هیچگونه علائم قیمتی وجود ندارد که دولت را بر حسب اینکه چه کاری را درست انجام می دهد و چه کاری را غلط و اینکه چه کاری باید انجام شود هدایت نماید

برای یک مجموعه از قیمت ها و توزیع اولیه منابع، اگر کارایی پارتو بعنوان شرط لازم برای بهینگی کلی اجتماعی دیده شود این معنی را می دهد که تخصیص بهینه اجتماعی می تواند چارچوب فرضی از طریق تعادل رقابتی را که بوسیله توزیع اولیه منابع ارایه می نماید ظاهرا ثابت است.

سؤال این است که چه کسی توزیع اولیه منابع را به این صورت ثابت تعیین می کند؟ در اینجا نیز نماینده دولت ضروری است. لذا اهمیت قضیه دوم که قضیه بنیادی اقتصاد رفاه عمیقا مبتنی بر اقدام دولت است دلایل خوبی برای

وابستگی آنها توجه نمود. مخصوصا عملکرد موفقیت مکانیزم بازار می تواند بشدت تحت تأثیر ترتیبات دولت قرار گیرد اول؛ کاملا مشخص است که بازار در نبودن یک سیستم قانونی و حقوق عادلانه (نسبت به دارایی، اجرای مفاد قراردادها و غیره) نمی تواند وجود داشته باشد یا کار کند. در حالیکه بعضی از این ویژگیها می تواند بصورت خودکار کار کنند (اطلاق کسب و کار در اجرای مفاد قراردادها در تأمین مبادلات بازاری برحسب قرارداد) بخوبی کار کند اما احتمال اقدامات قانونی در نبودن چنین سازگاری و توافقی یک شرط مهم قبلی برای عمل کردن دولت سیستم مبادله و تولید تعجبی ندارد که توسعه مکانیزم بازار در طول انقلاب صنعتی در اروپا از برقراری قانون و نظم که می تواند امنیت کسب و کار و عملیات اقتصادی را ارایه نماید. یک مثال دیگر، غیرممکن است که بفهمیم چرا مکانیزم بازار اینقدر ضعیف است فرض کنید در سومالی امروزی بدون توجه به زیر پا گذاشتن و شکستن نظم و قانون و شکلی که دولت رژیم در آنجا عمل می کند. نتایج تأسف بار اصلاحات دهه ۱۹۹۰ روسیه نتیجه یا زیان نادیده گرفتن این شناخت اساسی است که کارکرد موثر مکانیزم بازار مشروط به وجود بنیان های نهادی لازم برای کارکرد مکانیزم بازار است. توجه اینکه دولت ممکن است نقش مهم و اساسی را در تشویق به شروع و تسهیل بخشیدن کارکرد یا مکانیزم رشد اقتصادی مبتنی بر بازار ایفا می نماید. این موضوع در ادبیات وسیعا مورد مطالعه قرار گرفته است نظیر آلمان و ژاپن و شرق آسیا، کره، تایوان و تقویت و تغذیه یا پرورش مکانیزم بازار در مرحله اولیه توسط دولت البته به معنی نقش مستقل و توانمند بازار را در مراحل بعدی تحت شعاع قرار نمی دهد.

سوم؛ حتی تئوری رسمی دستاورد مکانیزم بازار بصورت حتمی مبتنی بر اقدامات دولت است. برای مثال اساس و بنیان تئوری اقتصاد رفاه را در نظر بگیرید که اولین قضیه آن نشان می دهد که با فرض وجود بعضی از شرایط استاندارد، هر تعادل رقابتی از نظر کارایی، کارایی پارتو است. چنین فکر می شود که نسبت به دوم کمتر جالب است زیرا تخصیص بهینه پارتو می تواند بشدت نابرابر باشد. قضیه دوم از طرف دیگر نشان می دهد تحت همان فرضیه و (که شامل نبودن حرفه ای اقتصادی مقیاس قابل توجه)، هر تخصیص کارایی پارتو تعادل رقابتی